

مقاله پژوهشی: طراحی و ارزیابی الگوی سیاست‌گذاری متناسب با مؤلفه‌های فرهنگی –

تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی

(مورد مطالعه: دانشجویان دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه‌های شهر تهران)

[۲۰.۱۰۰۱.۱.۳۳۲۹۲۵۳۸.۱۴۰۱.۱۲.۴۴.۵۶](https://doi.org/10.3329/2538.1401.12.44.56)

راحله السادات موسوی اجاق، سید اسداله اطهری و حمید احمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲

چکیده

پژوهش حاضر درصدد طراحی و ارزیابی الگوی سیاست‌گذاری متناسب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی (مورد مطالعه: دانشجویان دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه‌های شهر تهران) بوده است. از این منظر، از طرح آمیخته متوالی اکتشافی بهره جسته است؛ بدین ترتیب که در فاز کیفی پژوهش از مصاحبه نیمه استاندارد با ۱۰ نفر از خبرگان رشته‌های مرتبط دانشگاه‌های شهر تهران که از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شده بودند، داده‌ها گردآوری گردید. به منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون و از نوع شبکه مضامین از طریق فرایند کدگذاری نظری استفاده شد. نتایج فاز کیفی نشان داده است که مدل مطلوب سیاست‌گذاری مطلوب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی از شش مضمون فراگیر شامل: ۱- اتخاذ رویکرد مناسب فرهنگی در سیاست‌گذاری خارجی؛ ۲- تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی؛ ۳- استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی؛ ۴- تقویت زبان و ادبیات فارسی؛ ۵- توجه به سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ای و ۶- تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن به اشباع نظری رسید. علاوه بر آن، در فاز کمی پژوهش به‌منظور ارزیابی مدل مفهومی برساخته شده حاصل از مطالعه کیفی، ابتدا ابزار پرسشنامه محقق ساخته طراحی و پس از اعتبارسنجی و پایایی سنجی، داده‌های پژوهش از روی ۲۹۱ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی شهر تهران که به‌واسطه روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی انتخاب شده بوده‌اند، گردآوری و به‌واسطه نرم‌افزار Spss23 در دو بخش تحلیل توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج کمی پژوهش ذیل تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مدل برساخته شده از برازش لازم برخوردار می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی، ایران، آسیای مرکزی، اسلام‌گرایی افراطی.

۱. دکتری علوم سیاسی، گرایش سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، mousavi.sra@gmail.com
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران (نویسنده مسئول)، athary.asadolah@yahoo.com
۳. استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، hahmadi@ut.ac.ir

مقدمه

منطقه آسیای مرکزی که متشکل از پنج کشور ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان می‌باشد، تحت محاصره اروپا، روسیه و چین قرار دارد و از جنوب توسط بلوک کشورهای مسلمان افغانستان، ایران، پاکستان و ترکیه احاطه شده است این منطقه از جنبه‌های مختلف در سیاست قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حائز اهمیت می‌باشد؛ چرا که آسیای مرکزی تنها نقطه‌ای از جهان است که چهار قدرت هسته‌ای (روسیه، چین، هند و پاکستان) را به هم متصل می‌کند در این زیرسیستم منطقه‌ای به جز پنج کشور آسیای مرکزی (ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان و ترکمنستان) پنج قدرت منطقه‌ای (روسیه، ایران، ترکیه، هند و پاکستان) و سه قدرت فرامنطقه‌ای (آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا و چین) به رقابت برای تأمین منافع خود مشغول هستند (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۱)؛ اما اهمیت آسیای مرکزی فقط در بعد ژئوپلیتیکی خلاصه نمی‌شود بلکه این منطقه دومین ذخایر انرژی دنیا (نفت و گاز) را در بردارد. در سال ۲۰۰۹ میزان کل منابع نفتی و گازی حوزه‌ی دریای خزر شامل ۱۰۸,۶ میلیارد بشکه نفت و ۲۵,۸ تریلیون مترمکعب گاز برآورد شده است. علاوه بر این مجموع ذخایر نفتی تأیید شده برای کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از ۱۵ تا ۳۱ میلیارد بشکه نفت و ذخایر گازی نیز از ۲۳۰ تا ۳۶۰ تریلیون مترمکعب است که این حجم از ذخایر به‌طور تقریبی ۲۷٪ ذخایر نفتی دنیا و ۷٪ ذخایر گازی را شامل می‌شود (Jaffe, ۱۹۹۸:۲)، اما علاوه بر دو بعد ژئوپلیتیک و انرژی بایستی به اهمیت فرهنگی نیز اشاره نمود؛ چرا که آسیای مرکزی در طول تاریخ، مهد فرهنگ‌های بزرگ بشری و گذرگاه اروپا به آسیا و بالعکس بوده و مورخین از آن به‌عنوان تمدن اسلام و سایر تمدن‌ها یاد کرده‌اند. از حیث فرهنگی این منطقه در محل برخورد و تقاطع فرهنگ‌های شرق و غرب، از جمله فرهنگ ترکی و اسلامی-فارسی و از نظر تاریخی در مسیر جاده‌ی ابریشم، قرار گرفته است. این مسئله در خصوص ایران و با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی آن حائز اهمیت دو چندان می‌باشد به‌گونه‌ای که می‌توان گفت آسیای

مرکزی یکی از حوزه‌های تمدنی ایران است پیوسته و در طول تاریخ نقشی اساسی در رشد و گسترش عناصر ایرانی و اسلامی در تمدن ایرانی و دنیای اسلام داشته است. اما این اهمیت و برجستگی ژئوپلیتیکی و فرهنگی، منطقه آسیای مرکزی را با تهدیدات متعددی مواجهه نموده است یکی از این تهدیدات گسترش اسلام‌گرایی بنیادی می‌باشد واقعیت نیز این است که خلأ قدرت پس از فروپاشی شوروی، زمینه‌ای را برای گسترش تمایلات ملی‌گرایانه و قوم‌گرایانه به وجود آورد که خود پایه و اساسی برای شعله‌ور شدن نارضایتی‌های ریشه‌دار و آغاز حرکت‌های جدایی‌طلبانه شد (Hunter, 2003:272). این حرکت‌ها بر اثر ارتباط با کشورهای اسلامی خارج از منطقه از جمله عربستان سعودی و سایر کشورهای خاورمیانه و اعزام تعداد زیادی مبلغ مسلمان به آسیای مرکزی و قفقاز شدت بیشتری به خود گرفت (کولایی، ۱۳۸۹: ۳۴۰). اسلام‌گرایان افراطی نیز با بهره‌گیری از شرایط موجود در منطقه و طرح شعارهایی همانند اعتقاد به خدا، پیروی اسلام رادیکال و سرکوب دشمنان از طریق جهاد، استفاده کرده و اعتقاد دارند که تنها حکومت اسلام رادیکال می‌تواند برای مردم عدالت ایجاد کند و همه مشکلات را حل نماید. لذا اسلام‌گرایی افراطی خطر جدی برای منطقه تلقی می‌گردد و هم‌زمان با پیدایش کشورهای تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی برخی نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که این منطقه موطن توسعه «ایدئولوژی پان‌اسلامیسم»، یا «اسلام افراطی»، خواهد شد. از سوی دیگر نیز گرایش به جرم و جنایت پس از فروپاشی شوروی و نهادهای وابسته به آن به شکل یک موج در تمام آسیای میانه ظاهر شد، موج اخیر جرم و جنایت در این منطقه رگه‌هایی از گفتمان افراطی مذهبی در خود دارد که پیش‌تر از این در قفقاز شمالی و به‌خصوص مناطقی چون تاتارستان ظاهر شده بود (Heathershaw & Montgomery, 2015: 8-10). از این‌رو گسترش و رشد اسلام‌گرایی در منطقه آسیای مرکزی نفوذ فرهنگی و تاریخی ایران را با چالش عمده روبه‌رو کرده است این مسئله سبب شده است تا ایران در منطقه نیازمند تدوین سیاست‌گذاری مناسب و مبتنی بر مؤلفه‌های فرهنگی خود باشد.

بنابراین آنچه ضرورت و بررسی این مقاله را نشان می‌دهد این است که: الف) گسترش اسلام‌گرایی افراطی در منطقه آسیای مرکزی به‌عنوان منطقه‌ای که در همجواری جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران که از همان زمان استقلال کشورهای این حوزه دارای روابط دوجانبه مناسبی با یکدیگر هستند، برای کشورمان فوق‌العاده با اهمیت باشد. از این‌رو، مطالعات ژئوپلیتیکی حضور و گسترش بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی و چالش‌های احتمالی آن بر جمهوری اسلامی ایران، مانند کاهش وجهه و در نتیجه نفوذ جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های مرزی علیه مرزهای شمال شرقی در استان گلستان و همچنین در مرزهای شرقی و شمالی خود می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد.

ب) با انجام این پژوهش ایران می‌تواند در قبال حوادث منطقه پیش‌دستی کرده، نسبت به رقبای خود دست بالا داشته و در نهایت قادر خواهد بود به‌موقع واکنش مناسب را نشان دهد؛ چرا که آگاهی از برنامه‌های در نظر گرفته شده در منطقه ما را به ارائه سیاست‌گذاری مناسب سوق خواهد داد.

ج) بی‌شک یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های محقق در انتخاب این موضوع، عدم ارائه پژوهشی جامع و روشن در این زمینه بوده است. محقق بر این عقیده است که علیرغم انجام پژوهش‌ها و تحقیقاتی در زمینه‌های گسترش اسلام‌گرایی افراطی، تاکنون هیچ‌کدام از آن‌ها به‌صورت مستقل به بررسی سیاست‌گذاری مناسب با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی نپرداخته‌اند.

از این منظر، پژوهش حاضر بر آن است تا به طراحی و ارزیابی الگوی سیاست‌گذاری مناسب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی (مورد مطالعه: دانشجویان دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه‌های شهر تهران) بپردازد.

سؤالات تحقیق

پرسش‌های اساسی پژوهش حاضر آن است که چه مدل مطلوبی را می‌توان جهت تبیین سیاست‌گذاری مطلوب با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه تدوین کرد؟ و آیا این مدل از اثربخشی و برآزش لازم برخوردار می‌باشد؟

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به اینکه ماهیت پژوهش حاضر اکتشافی می‌باشد، بنابراین در فاز کیفی پژوهش از ارائه فرضیه‌های پژوهش خودداری می‌شود. ولی در بخش کمی، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

۱. مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه از منظر دانشجویان دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه‌های شهر تهران اثربخش می‌باشد.
۲. مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه از برآزش لازم برخوردار می‌باشد.

پیشینه تحقیق

محمودی و لطیف اف (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان: «نقش دین اسلام در روابط بین ایران و ملت‌های آسیای مرکزی»، بررسی می‌کنند که در دهه‌های اخیر حضور گسترده جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است؛ به‌طوری که سیاستمداران این کشور در مورد ایران به مانند کشوری که ایفا کننده نقش بیشتری در جریان‌ات ژئوپلیتیک جهانی می‌باشد، صحبت می‌کنند. نگارندگان در ادامه به اهمیت فرهنگی و دینی پنج کشور آسیای مرکزی پرداخته و معتقدند که این کشورها علاوه بر پیوند تاریخی و تمدنی دارای نوعی همبستگی اسلامی می‌باشند.

ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان: دیپلماسی فرهنگی و نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل، ضمن توجه و بررسی اهمیت دیپلماسی فرهنگی معتقد است که نیل به مقاصد سیاسی، امنیتی و اقتصادی، همواره از مهم‌ترین اهداف کشورها در تدوین و اعمال سیاست خارجی‌شان بوده است. برای تحصیل این مقاصد، کشورها عمدتاً و به‌طور سنتی نوعی دیپلماسی مبتنی بر رویکردها و ابزارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی را در پیش می‌گیرند؛ با این همه در مهر و موم‌های اولیه هزاره سوم، رویکردهای نسبتاً جدیدی در دیپلماسی مطرح شده که توجه افزون‌تر و تأکید بیشتر بر راهکارها و ابزارهای فرهنگی را به مسئولان و طراحان سیاست خارجی توصیه می‌نماید.

ماریا اومیلیچویا^۱ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان: ابزارسازی اسلام در آسیای مرکزی: استفاده از دین برای تضمین رژیم حاکم، به بررسی این موضوع می‌پردازد که دولت‌های آسیای مرکزی کارکرد دوگانه اسلام را مورد توجه خود قرار می‌دهند از یک سو نسخه سنتی یا رسمی از ایمان اسلامی را برای تقویت هویت ملی و همچنین مشروعیت بخشیدن به رژیم اقتدارگرای خود به رسمیت می‌شناسند و در نقطه مقابل مقامات با اشاره به «گفتمان امنیتی» «خطر اسلامی» را تبلیغ می‌کنند تا بتواند روند تقویت حکومت خود و سرکوب مخالفان را به رسمیت بشناسند. نویسنده در ادامه مسئله اسلام‌گرایی و خطرات آن را مورد توجه قرار می‌دهند.

مارتا بریل اولکات^۲ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان: «ریشه‌های اسلام افراطی در آسیای مرکزی». به بررسی تاریخ توسعه رادیکالیسم اسلامی در ازبکستان و در آسیای مرکزی می‌پردازد. اولکاد در ادامه اسلام بنیادگرا یا رادیکال را مورد بررسی قرار می‌دهند. اعتقاد دارد اینکه چه چیزی رادیکالیسم اسلامی است و چه کسانی در میان مسلمانان مذهبی باید تهدیدی برای رژیم سکولار باشند را مشخص می‌کنند. در ادامه نگاه عمیق به تعدادی از روحانیون برجسته ازبکستان که از «بنیادگرایان» یا «وهابیان» نام‌گذاری شده‌اند و در توسعه یا اسلام رادیکال در ازبکستان نقش داشتند، می‌پردازند.

^۱ Mariya Omelicheva

^۲ Martha Brill Olcott

جمع‌بندی پیشینه تحقیق

همان‌گونه که مروری بر سوابق تجربی مرتبط با موضوع تحقیق حاضر نشان می‌دهد؛ در رابطه با موضوع پژوهش پژوهشی صورت نگرفته است. اگرچه برخی از مطالعات به جنبه‌های از آن با توجه به موضوع مورد تحقیق خود اشاره داشته‌اند که از جمله آنان می‌توان به مطالعه محمودی و لطیف اف (۱۳۹۴) که به عامل فرهنگی دینی در تحکیم روابط فرهنگی، ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۶) که به نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل و عوامل فرهنگی بر دیپلماسی فرهنگی از حیث ایجابی و بریل اولکات (۲۰۱۴) به نقش آموزش روحانیون وهابی در توسعه بنیادگرایی اسلامی از حیث سلبی اشاره داشته‌اند؛ لذا در یک ارزیابی کلی می‌توان چنین گفت که تحقیقات موجود، بیشتر بر دلایل گرایش به اسلام‌گرایی افراطی و نیز بر تهدیدات بنیادگرایی در جهت امنیت بین‌المللی و یا در سایر حوزه‌ها تمرکز نموده‌اند؛ بنابراین به دلیل کمبود چنین پژوهش‌هایی، سؤال اساسی درباره سیاست‌گذاری مناسب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی بی‌پاسخ مانده است.

از سوی دیگر گسترش اسلام‌گرایی در منطقه نه تنها تهدیدات زیادی برای کشورهای منطقه دارد بلکه منافع ملی ایران را با تهدید روبه‌رو خواهد کرد؛ این مسئله سبب گسترش واگرایی بین ایران و کشورهای منطقه شده و پتانسیل همگرایی را به حاشیه می‌راند. لذا بررسی این موضوع می‌تواند به ایران در جهت ابتکار عمل لازم برای تبدیل تهدیدات به فرصت یا حداقل تعدیل آن‌ها کمک کند.

مروری بر مبانی نظری تحقیق

نظریه همگرایی

همگرایی و وحدت، اساس شکل‌گیری جوامع بشری بوده و می‌توان ردپای آن را در نوشته‌های ارسطو، افلاطون، اگوستین قدیس، ابن خلدون و هگل دید؛ با این حال آرمان وحدت منطقه‌ای از دیرباز الهام‌بخش ایده‌آلیست‌ها و جنبش‌های فکری وابسته به آن بوده

است. ابن خلدون نیز معتقد بود که بدون همکاری و همبستگی و تعاون، بقای جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود، یعنی بشر محکوم به همیاری در جامعه است. این اندیشمند انگیزه گرایش انسان به اجتماع را بعد از تأمین نیازهای اولیه مادی، نیاز به امنیت و مصون بودن از آسیب و خطرات و تهدیدات محیط و سلطه‌گران می‌داند. ژان ژاک روسو در رساله قرارداد اجتماعی خود، اندیشه خیر مشترک را برای افراد جامعه مطرح می‌کند که جهت نیل به آن، همگان باید در کنار یکدیگر و با هم تلاش کنند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۲۹-۲۲).

همگرایی ممکن است هم به صورت یک فرایند و هم به صورت یک هدف مورد مطالعه قرار گیرد. به عنوان یک فرایند، حرکتی است در راستای افزایش همکاری میان دولت‌ها و انتقال تدریجی اقتدار به نهادهای فوق ملی. همچنین به عنوان یک هدف اقدامی است، در راستای همگون‌سازی تدریجی ارزش‌ها و در نهایت ظهور یک جامعه مدنی جهانی. به این ترتیب همگرایی میان دولت‌ها، یک نوع پیکربندی جمعی از لحاظ تصمیم‌گیری را به وجود می‌آورد که ما با روابط فرادولتی سروکار داریم تا میان دولتی، طبق این اجتماع ایجاد شده، دولت خود را برای توزیع کالاها و خدمات میان واحدهای متشکله مسئول می‌داند (قوام، ۱۳۸۴: ۴۳). از لحاظ سطح تحلیل سه سطح را می‌بایست برای مطالعات همگرایی در روابط بین‌الملل در نظر گرفت: سطح اول: همگرایی در سطح نظام جهانی که اشاره به فرایندی دارد که طی آن دولت‌ها بخشی از اقتدار و قدرت تصمیم‌گیری خود را به نهادهای فوق ملی در مقیاس جهانی انتقال می‌دهند. برای مثال می‌توان سازمان ملل را در این سطح قرار داد.

سطح دوم: سطح همگرایی منطقه‌ای است که به موجب آن، تعدادی از دولت‌هایی که در مجاورت با یکدیگر قرار دارند گرد هم آمده و یک اتحادیه سیاسی و اقتصادی فدرال را مانند اتحادیه اروپا به وجود می‌آورند.

سطح سوم: ارتباط مستقیم به ویژگی‌های ساختاری دولت‌ها دارد. هرچه واحدهای سیاسی از درجه بالای توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... برخوردار باشد، بر میزان همگرایی تأثیر زیادی دارد (دوئرتی و فالترگراف، ۱۳۹۱: ۴۵-۴۴).

همگرایی دارای مفروضه‌هایی به شرح ذیل می‌باشد: نخستین مفروض همگرایی اصل تسری می‌باشد؛ یعنی نوعی منطق تدریج‌گرایی فزاینده بر رفتار بشر حاکم است. توجه واقع‌گرایانه این نظریه به ناتوانی انسان در رفع نیازهای اجتماعی و تلفیق آن با آرمان‌گرایی در این نظریه، موجب پیدایش این ایده می‌شود که به تدریج جوامع ملی را فرامی‌گیرد و دامنه فعالیت مشترک اعضا افزایش می‌یابد که در نتیجه باعث تأمین منافع اعضا می‌شود.

دومین مفروضه همگرایی منطقه‌ای پیوند مسائل فنی و اقتصادی با مسائل سیاسی است؛ یعنی همگرایی با مسائل غیرسیاسی و فنی شروع می‌شود، مثل بازرگانی و سپس به حوزه‌های دیگر کشیده می‌شود.

طبق نظریه دیوید میترا نی،^۱ پیشگام نظریه کارکردگرایی در همگرایی منطقه‌ای، دولت‌ها با مشاهده نتایج موفقیت‌آمیز همکاری در امور فنی - اقتصادی به گسترش همکاری در حوزه سیاسی نیز گرایش می‌یابند. وی «نظریه انشعاب»^۲ و «نظریه تدریجی»^۳ را مطرح می‌کند که بر اساس آن، همکاری در یک زمینه فنی، به تدریج به همکاری در بخش‌های دیگر می‌انجامد. یعنی همکاری در یک بخش، که در نتیجه نیاز پدید آمده و عملاً موفق بوده است، خود نیاز به همکاری را در بخش‌های دیگر پدید می‌آورد. نیاز کشورها به همکاری، آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و باعث می‌شود که فعالیت و تجربه همکاری در زمینه‌های اقتصادی، بنیانی را برای همکاری و توافق‌های سیاسی فراهم کند. به اعتقاد وی، ادغام‌های اقتصادی یا فنی نمی‌توانند به تنهایی به صلح منجر شوند، ولی بنیان‌هایی را ایجاد می‌کنند که موجب شکل‌گیری موافقت‌نامه‌های سیاسی می‌شود که زمینه‌ساز صلح می‌گردد (بیتقی، ۱۳۹۳: ۹-۶).

سومین فرض این است که همگرایی منطقه‌ای از اهمیت جغرافیایی ناشی می‌شود. این دسته از نظریه‌پردازان میان مناطق جغرافیایی، فرهنگی با گرایش به همگرایی نوعی پیوند قائل‌اند. به نظر این دسته از اندیشمندان، زمانی که تجانس‌های جغرافیایی، فرهنگی با مشترکات کارکردی و فنی عجین شود زمینه را برای همگرایی فراهم می‌کند (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۴۰۳).

^۱ David Mitrany

^۲ Ramification Theory

^۳ Gradualism

نظریه دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی اغلب در چارچوب قدرت نرم قرار می‌گیرد: توانایی دولت‌ها در متقاعد کردن و جذب دیگران با هدف ایجاد هژمونی بدون استفاده از روش‌های اجبارآمیز قدرت نرم نامیده می‌شود. لذا با توجه به تحولات صورت گرفته در سال‌های اخیر نقش دیپلماسی فرهنگی برای پیشبرد اهداف دولت‌ها افزایش چشم‌گیری داشته است. (Zamorano, 2016: 165 – 168).

بنا به تعریف گیفورد مالون، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از معماری یک بزرگراه دوطرفه به منظور ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزش‌های یک ملت و در عین حال، تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آن‌ها (Malone, 1988: 12) سرانجام، در تعریف میلتون کامینگز، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها (Cummins, 2003: 1).

اهداف و مبانی دیپلماسی فرهنگی عبارتند از: کسب وجهه بین‌المللی در میان اقوام و ملت‌ها و اثرگذاری بر رفتار آن‌ها، ایجاد نهادهای علمی-فرهنگی جدید به منظور برقراری روابط پایدارتر در بین جوامع مختلف، فهم دقیق اصول موجود در فرهنگ سایر ملت‌ها و کنکاش در ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی دیگر جوامع با هدف ارتقاء درک متقابل میان ملت‌ها، شناخت سیاست‌های فرهنگی کشور مبدأ، شناخت سیاست‌های فرهنگی کشور مقصد و شناخت فرهنگ به عنوان قدرت نرم (حقیقی، ۱۳۸۶: ۷۶-۷۷).

استفاده از فرهنگ و بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی در دیپلماسی در مقایسه با سایر ابزارها و اهرم‌های رایج در روابط بین‌المللی دارای مزایای بسیاری می‌باشد: اول: مواجهه شدن با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد از کلیدی‌ترین مزایای دیپلماسی فرهنگی محسوب می‌شود. چرا که فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در بسیاری از موارد ضمیر ناخودآگاه مخاطبان خود را هدف قرار می‌دهد و با ظرافت و لطافت غیر مشهودی بر

لایه‌های عمیق اذهان ایشان تأثیر می‌گذارد، دوم: عاری بودن دیپلماسی فرهنگی از لحنی خصمانه و آمرانه در کنار جذابیت‌های بیشتر و نامحسوس بودن اعمال آن و در نتیجه هدف قرار دادن روح و ذهن مخاطبان خود از دیگر مزایای آن می‌باشد. سوم: در دیپلماسی فرهنگی فرصت بهتری برای حضور جدی‌تر و مجال بیشتری برای ایفای نقش مؤثرتر توسط بازیگران غیررسمی، نهادهای مدنی و اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی مهیا می‌شود و این خود بر گستره حوزه مانور و دامنه تأثیرگذاری دیپلماسی فرهنگی در مقایسه با دیپلماسی کلاسیک سنتی می‌افزاید. چهارم: دیپلماسی فرهنگی بیشتر به دنبال کشف، شهود، تعریف و ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک و جهان‌شمول و سپس تأمین منافع ملی در چهارچوب ارزش‌ها و منافع مشترک است. پنجم: دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به‌منزله فتح یابی برای مفاهیم بیشتر و بهتر میان کشورها به کار رود و به‌مرور زمان منجر به پایه‌ریزی روابط عمیق و پایدار فرهنگی میان کشورها شود و این تعمیق حتی می‌تواند به حوزه سیاسی و امنیتی تسری یابد. ششم: دیپلماسی فرهنگی می‌تواند خلاقانه‌تر، انعطاف‌پذیرتر و حتی فرصت‌طلبانه‌تر از دیپلماسی کلاسیک و سنتی در بسیاری از حوزه‌ها طراحی و اجرا شود (حسن‌خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۸-۱۳۹). جان لنکروسکی در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی فرهنگی، نفوذ سیاسی و استراتژی هم‌گرایانه»، ابزارهای دیپلماسی فرهنگی را برمی‌شمارد. وی علاوه بر ذکر عناصری مانند هنر، تاریخ، نمایشگاه‌های فرهنگی، برنامه‌های آموزشی و مبادله، آموزش زبان، رسانه‌ها، دیپلماسی دینی را به‌عنوان ابزار و هم‌چنین موضوع دیپلماسی فرهنگی مطرح می‌کند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۴).

جمع‌بندی مبانی نظری

آسیای مرکزی متشکل از پنج کشور ترکمنستان به دلیل همسایگی با ایران، تاجیکستان به دلیل هم‌زبانی، ازبکستان به دلیل خواستگاه فرهنگی و تمدنی ایرانی و اسلامی در سمرقند و بخارا، قرقیزستان و قزاقستان به دلیل اشتراکات تاریخی و فرهنگی همیشه برای ایران دارای اهمیت بوده و خواهد بود. از سوی دیگر برخورداری از مشاهیر مشترکی که

هم ایرانی‌ها و هم تاجیک‌ها، ترکمن‌ها، قزاق‌ها و ازبک‌ها به داشتن آن‌ها مفتخرند، امتیاز هم‌کیشی و هم‌آیینی که بیشتر جمعیت کشورهای آسیای مرکزی مسلمان هستند؛ امتیاز مرزهای جغرافیایی مشترک که در این بین ایران ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای آسیای مرکزی دارد؛ امتیاز اشتراک زبانی و نقش زبان پارسی از ادوار پیشین تاکنون به‌ویژه در کشورهای تاجیکستان و ازبکستان؛ برگزاری جشن نوروز به‌عنوان میراث گذشته و حال ایران و آسیای مرکزی و آداب و رسوم مربوط به آن؛ امتیاز تعاملات متقابل و اینکه فرهنگ ایرانی همواره در منطق مردم آسیای مرکزی قابل قبول بوده است؛ امتیاز راه‌های تجاری به‌ویژه راه ابریشم که در دوره‌های تاریخی به‌عنوان عامل پیوستگی فرهنگی و اقتصادی بوده است و همه و همه نشان از پیوستگی فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی بین ایران و آسیای مرکزی دارد.

عوامل فوق، موجب همگرایی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی در حوزه فرهنگی گردیده است و موجب شده تا تفاهم و دوستی بین این کشورها و جمهوری اسلامی ایران رو به گسترش گذارد. لذا طبق نظریه میترانی، بهترین راه برای مقابله با وضعیت بحران‌آمیز دنیای کنونی، ایجاد شبکه گسترده‌ای از سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی که زمینه‌ساز همگرایی هستند، می‌باشد. از این‌رو، حوزه فرهنگی نیز یکی از مهم‌ترین بسترهایی است که ایران می‌تواند با ارتقای سطح و حجم همکاری با کشورهای منطقه، ضمن احیای ژئوکالچر خود در آسیای مرکزی، زمینه همگرایی بیشتر در عرصه سیاست خارجی را فراهم نماید. لذا همان‌گونه که در ذیل مبانی نظری نیز آمده است؛ از یک‌سو گسترش ارتباطات در زمینه‌های مختلف موجب نزدیکی جوامع آسیای مرکزی به یکدیگر می‌شود و از سوی دیگر می‌توان به‌واسطه ابزارهای دیپلماسی فرهنگی همچون: هنر، تاریخ، نمایشگاه‌های فرهنگی، برنامه‌های آموزشی و مبادله، آموزش زبان، رسانه‌ها، دیپلماسی دینی و... به تعبیر لنکزوسکی به گسترش بیشتر تعاملات نرم در منطقه در راستای ایجاد همگرایی فرهنگی دست یافت. از این‌رو، حوزه فرهنگی، یکی از مهم‌ترین بسترهایی است که ایران می‌تواند با ارتقای سطح و حجم همکاری با کشورهای منطقه، ضمن احیای

ژئوکالچر خود در آسیای مرکزی، زمینه همگرایی بیشتر در عرصه سیاست خارجی را فراهم نماید.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت داده و روش گردآوری داده‌های پژوهش طرح متوالی اکتشافی (کیفی - کمی) می‌باشد. بدین ترتیب که در فاز کیفی پژوهش با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند (گام اول) و روش نمونه‌گیری نظری (گام دوم)، از خبرگان و صاحب‌نظران رشته‌های علوم سیاسی، سیاست‌گذاری عمومی، حقوق و روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای دانشگاه‌های تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ به‌منظور احصاء و تدوین الگوی مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی، مصاحبه نیمه‌استاندارد به‌عمل آمده است. داده‌های پژوهش با مصاحبه عمقی با ۱۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران مطالعات منطقه‌ای گرایش روسیه و آسیای مرکزی (۲ نفر)، سیاست‌گذاری عمومی (۳ نفر)، سیاست‌گذاری فرهنگی (۱ نفر) و اندیشه سیاسی (۱ نفر) و حقوق و روابط بین‌الملل (۳ نفر) به شرح جدول ۲ به اشباع نظری رسید.

علاوه بر آن برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون و از نوع شبکه مضامین (برای نشان دادن ارتباط و وابستگی مضامین) به‌واسطه انجام فرایند کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی به‌منظور احصاء و کشف مضامین پایه (شناسه‌ها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان یافته (مقولات اصلی و فرعی به دست آمده از تلخیص و ترکیب مضمون‌های پایه‌ای) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) الگوی مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی استفاده شده است.

به منظور اعتبار سنجی مضامین احصاء شده از روش ارزیابی اعتبار به شیوه ارتباطی عمل شد (فلیک، ۱۳۸۸: ۴۱۵). به این ترتیب که مضامین احصاء شده توسط اعضاء مصاحبه شونده کنترل و مورد بازبینی قرار گرفته‌اند. همچنین از روش ممیزی یعنی رجوع به دو تن از کارشناسان حوزه مطالعات منطقه‌ای و سیاست‌گذاری فرهنگی برای تأیید مضامین احصاء شده و مدل مفهومی برساخته شده، اقدام شده است. به منظور پایایی سنجی مضامین احصاء شده و نیز مدل اندازه‌گیری شبکه‌ای برساخته شده از دو روش قابلیت تکرارپذیری (به واسطه استفاده از روش هماهنگی و توافق بین دو کدگذار) و نیز قابلیت انتقال و یا تعمیم‌پذیری (به واسطه انجام روش نمونه‌گیری نظری منظم و جامع از میان مصاحبه شوندگان) استفاده شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵).

همچنین در فاز کمی پژوهش به منظور ارزیابی و آزمون الگوی مفهومی برساخته شده، از روش کمی و از نوع مطالعه پیمایشی استفاده شده است. بدین ترتیب که با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته که مأخوذ از فاز کیفی پژوهش می‌باشد؛ داده‌های پژوهش از روی ۲۹۱ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی شهر تهران که به واسطه روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی انتخاب شده بوده‌اند، گردآوری گردید. به منظور اعتبار سنجی ابزار از اعتبار محتوایی صوری کیفی و نیز جهت پایایی سنجی از روش همبستگی درونی گویه‌ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار آلفای کرونباخ سؤالات، شاخص‌ها، ابعاد و متغیرهای مورد بررسی بالای ۰/۹ برآورد شده است. داده‌های پژوهش پس از ورود به نرم‌افزار Spss23 در دو بخش تحلیل توصیفی و تحلیل استنباطی مورد تحلیل و توصیف قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در دو بخش یافته‌های کیفی و نیز یافته‌های کمی ارائه شده است. بدین

ترتیب:

الف. یافته‌های کیفی تحقیق

به‌منظور تحلیل داده‌ها و بر ساخت الگوی مفهومی اندازه‌گیری شبکه‌ای سیاست‌گذاری مطلوب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی از تحلیل مضمون و از نوع شبکه مضامین استفاده شده‌است. جدول ۱؛ فرایند کدگذاری نظری برای کشف مضامین سازمان یافته و فراگیر سیاست‌گذاری متناسب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان یافته	مضامین فراگیر
اثربخشی قدرت نرم در مناسبات بین‌المللی	اثربخش بودن دیپلماسی فرهنگی	اتخاذ رویکرد مناسب فرهنگی در سیاست‌گذاری خارجی
مؤثر بودن قدرت فرهنگی در مهار اسلام‌گرایی افراطی		
چندوجهی بودن تأثیرگذاری عوامل فرهنگی		
اثربخش بودن دیپلماسی فرهنگی به‌واسطه قرابت تمدنی جایگاه منحصر به فرد ایران در دیپلماسی فرهنگی به‌واسطه قرابت فرهنگی		
اهمیت دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی	پذیرش و مشروعیت دیپلماسی فرهنگی	
تأثیرگذاری بیشتر دیپلماسی فرهنگی به نسبت اقتصاد و سیاست		
تأثیرگذاری قدرت نرم‌افزاری نسبت به قدرت سخت‌افزاری		
اثربخشی عوامل فرهنگی در مقایسه با سایر عوامل		
نامحسوس بودن عملکرد مناسبات فرهنگی		
مشروعیت مناسبات فرهنگی از سوی حکومت‌ها		
مطرح شدن اهداف ملی در سایه مناسبات فرهنگی		
نفوذ مناسبات فرهنگی نسبت به مناسبات نظامی و سیاسی		
برتری دیپلماسی فرهنگی نسبت به سایر دیپلماسی‌ها		
عدم مقاومت کشورها در برابر دیپلماسی فرهنگی		
آمرانه و خصمانه نبودن دیپلماسی فرهنگی	تغییر رویکرد موجود دیپلماسی فرهنگی	
داشتن یک سیاست‌گذاری مناسب خارجی		
ضرورت توجه ایران به دیپلماسی فرهنگی در منطقه		
ضرورت توجه به دیپلماسی فرهنگی		
تغییر رویکرد موجود دستگاه سیاست‌گذاری خارجی	توجه به عناصر مشترک فرهنگی	تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی
تغییر رویکرد و نگاه سیاست‌گذاران در تعاملات بین فرهنگی		
شکل‌گیری همگرایی براساس قرابت‌های فرهنگی		
همگرایی براساس بر داده‌های فرهنگی		
همگرایی فرهنگی براساس قرابت‌های مشترک فرهنگی و تاریخی		
توجه به برنامه‌های فرهنگی مشترک در دیپلماسی		

کدگذاری محوری	کدگذاری مضامین	کدگذاری گزینشی مضامین فراگیر
	کدگذاری باز	
	مضامین پایه‌ای	
	نقش ادبیات، زبان و موسیقی در قرابت فرهنگی	
	استفاده از تاریخ و زبان مشترک	
	استفاده از ظرفیت‌های تاریخی مشترک دیپلماسی همگرایی فرهنگی	
	بهره‌گیری از ظرفیت‌های آداب و سنت‌های مشترک	
	استفاده از ابزارهای دین، زبان و ادبیات فارسی، در مناسبات فرهنگی	
	تأمین منافع ملی در چهارچوب ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک	
	برجسته نمودن مشاهیر ادبی و علمی مشترک در همگرایی فرهنگی	
	کار فرهنگی مداوم برای مقابله با اسلام‌گرایی افراطی	
	ضرورت توجه به مؤلفه‌های فرهنگی در جهت مقابله با کیج‌روی‌ها	
	دیپلماسی فرهنگی در سایه عناصر فرهنگ ملی و اسلامی	
	نقش برنامه‌های فرهنگی در تحکیم روابط	
	تأثیرگذاری برگزاری آیین‌ها و رسوم فرهنگی در تحکیم روابط	
	برجسته نمودن مناسبات فرهنگی با برنامه‌های فرهنگی متنوع	
	تکیه بر زبان و ادبیات و تاریخ مشترک	
	استفاده از ظرفیت‌های دانشمندان و شعرا	
	استفاده از عوامل ایجادکننده رضایت و مقبولیت جهت مقابله با اسلام‌گرایی افراطی	
	مبتنی بودن عوامل فرهنگی بر اقلان و رضایت	
گسترش صنعت توریسم	گسترش صنعت توریسم	
توجه به ظرفیت‌های هنر و معماری	تأثیرگذاری پخش فیلم و موسیقی مشترک در تحکیم روابط تأثیرگذاری معماری و هنر و موسیقی در روابط بین کشورها ساخت فیلم‌های قرآنی تلطیف روحیات و افکار عامه به‌واسطه معماری و هنر	
استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی	استفاده از ظرفیت‌های مراکز علمی و دانشگاه‌ها انجام تبادلات دانشجویی در آسیای مرکزی تأثیرگذاری روابط علمی و فناوری در روابط تقویت روابط علمی در نزدیکی روابط بازنمایی ادبیات و تاریخ در کتاب‌های درسی نقش اجلاس‌های علمی بین‌المللی جهت شناسایی تهدیدات اسلام‌گرایی آگاهی بخشی دینی در سایه تولید محتوا تهدیه کتابچه‌ها و بروشورها در راستای آگاهی بخشی مردم	

کدگذاری گزینه‌ی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه‌ای
	نشر اندیشه‌ها از طریق ترجمه متون	نشر اندیشه‌ها از طریق ترجمه متون
	توجه به ظرفیت‌های زبان و ادبیات	نقش زبان و ادبیات فارسی در همگرایی فرهنگی توجه به زبان و ادبیات در دیپلماسی استفاده از ظرفیت‌های فرهنگ و زبان فارسی
تقویت زبان و ادبیات فارسی	توجه به ظرفیت شعر فارسی	محبوبیت و آشنایی با زبان و ادبیات فارسی در آسیای مرکزی نقش حیاتی زبان و ادبیات در دیپلماسی فرهنگی برتری زبان و ادبیات در دیپلماسی فرهنگی برگزاری محافل ادبی و برجسته نمودن اشعار نوع‌دوستی و انسان‌دوستی ترویج تساهل و تسامح از طریق شعر و ادبیات فارسی
توجه به سیاست-گذاری فرهنگی رسانه‌ای	استفاده از ظرفیت فضای مجازی	نقش پررنگ دیپلماسی فرهنگی به واسطه نفوذ رسانه‌های نوین تقویت و ترویج اسلام معتدل در فضای مجازی مقابله با تبلیغات اسلام‌گرایی افراطی انجام فعالیت‌های رسانه‌ای مشترک مبتنی بودن بر اقناع و رضایت مناسبات فرهنگی در افکار عمومی نقش دیپلماسی فرهنگی به واسطه اهمیت یافتن افکار عمومی
تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن	ترویج قرائت رحمانی و اخلاقی از دین	ترویج قرائت رحمانی و برداشت آزاد از دین برداشت رادیکال و رحمانی دو قرائت از دین برداشت رحمانی به‌عنوان پادزهر مهم معرفی چهره معتدل از اسلام و مسلمانان برای مقابله اشاعه فرهنگ اسلامی منعطف معرفی اسلام منعطف جهت مقابله با اسلام‌گرایی افراطی تدوین و ارائه تعریف منعطف از اسلام در حوزه فرهنگ دینی حاکم بودن تفسیر رادیکالی از دین در آسیای مرکزی معرفی چهره خشن از دین توسط اسلام‌گرایان افراطی استفاده از ظرفیت‌های اندیشمندان و نوگرایان مسلمان مشخص نمودن مصادیق افراط و تفریط در دین برجسته نمودن جنبه آزادمندی دین در جهت مقابله با اسلام‌گرایی افراطی برجسته کردن بخش اخلاقی اسلام

کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی	کدگذاری باز
مضامین سازمان یافته	مضامین فراگیر	مضامین پایه‌ای
توجه به هویت و اشتراکات دینی		تکیه بر اصول مورد توافق فرقه‌های مختلف از دین اسلام
		پرهیز از گرایش به اسلام سیاسی
		تکیه بر نقاط مشترک دین اسلام در همگرایی فرهنگی
		استفاده از دین و هویت دینی در راستای مقابله با اسلام‌گرایی افراطی
		ضرورت توجه به هویت دینی در دیپلماسی فرهنگی
		مؤثر بودن همگرایی دینی
		مشکل بودن دیپلماسی همگرایی به واسطه تهدید شاخه‌های متعدد اسلام
		کارایی داشتن ابزار دینی برای مقابله با اسلام‌گرایی افراطی
		اهمیت نقش مذهب در دیپلماسی فرهنگی

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۱ نیز گویای آن می‌باشد، سیاست‌گذاری مطلوب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی براساس مصاحبه نیمه استاندارد با ۱۰ نفر از خبرگان از ۶ مضامین فراگیر، ۱۵ مضمون سازمان یافته و در نهایت با ۹۳ مضمون پایه‌ای به اشباع نظری رسیده است. پس از احصاء و استخراج مضامین فراگیر، مضامین سازمان یافته و نیز مضامین پایه‌ای، در این قسمت به ترسیم الگوی مفهومی شبکه‌ای برحسب مضامین فراگیر و سازمان یافته در ذیل نمودار ۱ مبادرت می‌شود.

جدول ۲ توزیع آمار مرکزی و پراکندگی متغیر اثربخشی مدل سیاست‌گذاری فرهنگی - تاریخی برای مقابله با اسلام‌گرایی افراطی در آسیای مرکزی به همراه ابعاد شش‌گانه آن از منظر دانشجویان

دانشگاه‌های شهر تهران

متغیر و ابعاد	تعداد گویه	میانگین	خط برش (میانگین آزمون)	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
مدل سیاست‌گذاری فرهنگی-تاریخی (شاخص کل)	۶۷	۲۵۰/۸۲۸	۲۰۱	۵۴/۵۹۸	۶۷	۳۳۵
اتخاذ رویکرد مناسب فرهنگی در سیاست‌گذاری خارجی	۱۶	۵۵/۶۵۲	۴۸	۱۴/۰۳۳	۱۶	۸۰
تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی	۱۶	۶۰/۶۹۴	۴۸	۱۴/۸۹۶	۱۶	۸۰
استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی	۹	۳۴/۴۹۸	۲۷	۸/۳۶۵	۹	۴۵
تقویت زبان و ادبیات فارسی	۶	۲۲/۲۴۰	۱۸	۶/۱۶۱	۶	۳۰
توجه به سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ای	۶	۲۴/۱۴۰	۱۸	۵/۵۴۷	۶	۳۰
تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن	۱۵	۵۷/۳۴۳	۴۵	۱۵/۵۳۳	۱۵	۷۵
تعداد مشاهدات معتبر	۲۹۱					

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۲ نیز نشان می‌دهد، متغیر اثربخشی مدل مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی - تاریخی در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در جامعه آماری مورد بررسی با ۲۵۰/۸۲۸ (و با میانگین آزمون یا خط برش ۲۰۱) بالاتر از سطح متوسط قرار دارد و لذا در سطح مطلوبی می‌باشد. این امر در رابطه با ابعاد شش‌گانه متغیر سیاست‌گذاری فرهنگی - تاریخی برای مقابله با اسلام‌گرایی افراطی در آسیای مرکزی نیز صادق می‌باشد؛ بنابراین دانشجویان دوره دکتری گرایش‌های مختلف رشته علوم سیاسی و نیز رشته روابط بین‌الملل دانشگاه‌های شهر تهران، مدل مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی - تاریخی را برای مقابله با اسلام‌گرایی افراطی در آسیای مرکزی مناسب و اثربخشی تشخیص داده‌اند.

۲. تحلیل استنباطی

جدول (۳): توزیع نرمال و غیرنرمال بودن شاخص کل و ابعاد مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه

نتایج آزمون							آزمون کوامگروف - اسمیرنوف تک نمونه‌ای
تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن	توجه به سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ای	تقویت زبان و ادبیات فارسی	استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی	تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی	اتخاذ رویکرد مناسب فرهنگی در سیاست‌گذاری خارجی	مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران (شاخص کل)	
۵۷/۳۴۳	۲۴/۱۴۰	۲۲/۲۴۰	۳۴/۴۹	۶۰/۶۹۴	۵۵/۶۵۲	۲۵۰/۵۲۸	میانگین
۱۴/۵۳۳	۵/۵۴۷	۶/۱۶۱	۸/۳۶۵	۱۴/۸۹۶	۱۴/۰۳۳	۵۴/۵۹۸	انحراف معیار
۰/۱۱۲	۰/۱۹۱	۰/۱۲۸	۰/۱۱۹	۰/۱۱۵	۰/۰۹۶	۰/۰۹۲	کل
۰/۱۱۲	۰/۱۴۵	۰/۱۰۴	۰/۱۰۵	۰/۰۹۷	۰/۰۸۱	۰/۰۶۹	مثبت
-۰/۰۹۵	-۰/۱۹۱	-۰/۱۲۸	-۰/۱۱۹	-۰/۱۱۵	-۰/۰۹۶	-۰/۰۹۲	منفی
۱/۹۱۴	۳/۲۵۷	۲/۱۸۱	۲/۰۲۸	۱/۹۶۸	۱/۶۳۷	۱/۵۷۶	مقدار
۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۱۴	سطح معناداری آزمون
۲۹۱							تعداد کل

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که توزیع داده‌های مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه براساس آزمون آماری کلموگروف - اسمیرنوف تک نمونه‌ای نرمال نمی‌باشد ($P < 0/01$) می‌باشد؛ بنابراین به‌منظور تحلیل مقایسه‌ای (آزمون تفاوت معناداری) از آزمون‌های کیفی (ناپارامتریک) استفاده می‌شود. در ادامه به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود:

الف. تحلیل مقایسه‌ای و آزمون فرضیه تحقیق در گام اول

فرضیه تحقیق: مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه از منظر

دانشجویان دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه‌های شهر تهران اثربخش می‌باشد.

جدول ۴، نتایج آزمون کای اسکور تک نمونه‌ای برای مقایسه اثربخشی مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه از منظر دانشجویان دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه‌های شهر تهران

اختلاف (باقیمانده)	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	اثربخشی مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه
۵۱/۲-	۵۸/۲	۷	خیلی کم
۴۷/۲-	۵۸/۲	۱۱	کم
۴۳/۲-	۵۸/۲	۱۵	تا حدودی
۷۴/۸	۵۸/۲	۱۳۳	زیاد
۶۶/۸	۵۸/۲	۱۲۵	خیلی زیاد
۲۹۱			نمونه کل (تعداد مشاهدات معتبر)

۲۹۱: ۰,۰۰۰ Sig: Chi-Square: 288.192 df: 4

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۴ و نیز سطح معناداری آزمون کای اسکور تک نمونه‌ای نشان می‌دهد، بین متغیر مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه از منظر دانشجویان دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه‌های شهر تهران برحسب فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد ($P < 0/01$)؛ بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیر مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه برحسب فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار یکسان نمی‌باشد. علاوه بر این، جهت اختلاف (باقیمانده) مقادیر فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار برای هر طبقه بیانگر آن است که فراوانی مشاهده شده

در طبقات زیاد و خیلی زیاد بیشتر از فراوانی مشاهده شده در سایر طبقات بوده است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که متغیر مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه از منظر دانشجویان دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه‌های شهر تهران اثربخش می‌باشد.

بنابراین با توجه به یافته‌های تحقیق، فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه از منظر دانشجویان دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه‌های شهر تهران اثربخش می‌باشد، تأیید می‌شود.

ب. برازش نیکویی مدل از طریق تحلیل عاملی تأییدی

فرضیه تحقیق: مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه از برازش لازم برخوردار می‌باشد.

در این قسمت به منظور برازش نیکویی مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه، به تحلیل عاملی تأییدی ابعاد شش‌گانه آن پرداخته می‌شود تا مؤلفه‌های مختلف در نظر گرفته شده برای آن‌ها مورد تأیید قرار گیرد. جدول ۵ نتایج آزمون کیزر مایر (KMO) و بارتلت در تحلیل عاملی تأییدی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد:

جدول (۵): نتایج آزمون کیزر مایر (KMO) و بارتلت در تحلیل عاملی تأییدی

آزمون کیزر مایر (Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling)	۰/۹۱۵
آزمون بارتلت (Bartlett's Test)	۵۱۷۷/۷۷۶
df	۱۰۵
Sig:	۰/۰۰۰

همان‌گونه که جدول ۷ نیز نشان می‌دهد، آزمون کیزر-مایر برابر با $0/915$ می‌باشد؛ این آزمون کفایت اندازه حجم نمونه را جهت انجام تحلیل عاملی تأییدی ارزیابی می‌کند. با توجه به آنکه مقدار آن بالای $0/90$ است؛ پس در سطح خوبی می‌باشد و دلالت بر تأیید نمونه‌ها برای انجام تحلیل عاملی تأییدی در سطح مطلوبی دارد و لذا داده‌های برآمده از نمونه‌ها را می‌توان به عامل‌های اساسی و بنیانی تقلیل داد. همچنین سطح معناداری آزمون بارتلت در سطح معناداری $0/01$ می‌باشد ($P < 0/01$) و دلالت بر این امر دارد که داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی از حیث ایجاد ساختار عاملی براساس همبستگی بین متغیرها مناسب می‌باشند. جدول ۶، ماتریس همبستگی مؤلفه‌های ابعاد شش‌گانه مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه را نشان می‌دهد:

جدول (۶): ماتریس همبستگی مؤلفه‌های ابعاد شش‌گانه مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی

مؤلفه‌ها	میزان همبستگی مؤلفه‌های ابعاد شش‌گانه مدل مطلوب سیاست‌گذاری در آسیای مرکزی									
	اثربخش بودن دیپلماسی فرهنگی	پذیرش و مشروعیت دیپلماسی فرهنگی	تغییر رویکرد موجود دیپلماسی فرهنگی	توجه به عناصر مشترک فرهنگی	گسترش صنعت توریسم	توجه به ظرفیت‌های هنر و معماری	تقویت روابط و تبادلات علمی و آموزش	آگاهی بخشی دینی در سابه تولید محتوا	نشر اندیشه‌ها از طریق ترجمه متون	
اثربخش بودن دیپلماسی فرهنگی	۱/۰۰۰									
پذیرش و مشروعیت دیپلماسی فرهنگی	۰/۶۹۳	۱/۰۰۰								
تغییر رویکرد موجود دیپلماسی فرهنگی	۰/۴۶۵	۰/۷۱۰	۱/۰۰۰							
توجه به عناصر مشترک فرهنگی	۰/۵۷۹	۰/۶۳۵	۰/۶۱۹	۱/۰۰۰						
گسترش صنعت توریسم	۰/۵۰۹	۰/۵۴۹	۰/۵۳۰	۰/۸۵۸	۱/۰۰۰					
توجه به ظرفیت‌های هنر و معماری	۰/۴۹۹	۰/۶۸۸	۰/۵۲۳	۰/۸۲۶	۰/۷۵۴	۱/۰۰۰				
تقویت روابط و تبادلات علمی و آموزش	۰/۴۶۶	۰/۶۸۱	۰/۵۱۲	۰/۷۷۰	۰/۶۸۲	۰/۹۱۴	۱/۰۰۰			
آگاهی بخشی دینی در سابه تولید محتوا	۰/۴۱۵	۰/۵۳۵	۰/۵۲۵	۰/۷۴۶	۰/۶۰۲	۰/۷۶۵	۰/۷۷۰	۱/۰۰۰		
نشر اندیشه‌ها از طریق ترجمه متون	۰/۲۹۱	۰/۵۲۴	۰/۴۶۷	۰/۶۹۷	۰/۶۴۳	۰/۷۳۲	۰/۷۵۱	۰/۷۷۹	۱/۰۰۰	

مؤلفه‌ها	سطح معناداری همبستگی مؤلفه‌های ابعاد شش‌گانه مدل مطلوب سیاست‌گذاری در آسیای مرکزی					
	گسترش صنعت توریسم	توجه به عناصر مشترک فرهنگی	تغییر رویکرد موجود دیپلماسی فرهنگی	پذیرش و مشروعیت دیپلماسی فرهنگی	اثربخش بودن دیپلماسی فرهنگی	توجه به هویت و اشتراکات دینی
توجه به ظرفیت‌های زبان و ادبیات	۰/۳۷۹	۰/۴۸۴	۰/۵۷۰	۰/۵۵۸	۰/۴۳۴	۰/۳۷۲
توجه به ظرفیت شعر فارسی	۰/۵۸۰	۰/۶۵۵	۰/۶۶۵	۰/۶۳۷	۰/۵۱۷	۰/۵۲۸
استفاده از ظرفیت فضای مجازی	۰/۴۴۱	۰/۴۳۶	۰/۴۶۴	۰/۴۹۹	۰/۳۹۰	۰/۴۸۳
توجه به عناصر مشترک فرهنگی	۰/۶۸۳	۰/۶۸۰	۰/۶۸۴	۰/۷۲۹	۰/۶۳۱	۰/۵۱۹
گسترش صنعت توریسم	۰/۵۹۸	۰/۶۸۱	۰/۴۳۶	۰/۶۵۸	۰/۵۸۶	۰/۴۶۳
توجه به ظرفیت‌های هنر و معماری	۰/۷۷۰	۰/۷۵۷	۰/۷۵۵	۰/۷۸۹	۰/۷۱۴	۰/۶۴۰
تقویت روابط و تبادلات علمی و آموزشی	۰/۸۱۱	۰/۷۷۵	۰/۷۷۳	۰/۸۱۳	۰/۷۰۵	۰/۶۰۶
آگاهی بخشی دینی در سایه تولید محتوا	۰/۷۶۱	۰/۶۴۷	۰/۷۱۲	۰/۷۳۸	۰/۶۲۳	۰/۵۶۸
نشر اندیشه‌ها از طریق ترجمه متون	۰/۸۵۳	۰/۷۴۲	۰/۶۹۰	۰/۷۱۴	۰/۶۱۸	۰/۵۲۲
توجه به ظرفیت‌های زبان و ادبیات	۱/۰۰۰	۰/۸۷۰	۰/۷۴۷	۰/۸۱۵	۰/۶۸۴	۰/۵۵۵
توجه به ظرفیت شعر فارسی	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۷۶۶	۰/۷۹۸	۰/۶۸۲	۰/۵۴۶
استفاده از ظرفیت فضای مجازی			۱/۰۰۰	۰/۸۸۸	۰/۷۹۶	۰/۶۱۶
جهت دادن به افکار عمومی به واسطه رسانه‌ها			۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۸۳۸	۰/۶۶۶
ترویج قرآنت‌رجمانی و اخلاقی از دین					۱/۰۰۰	۰/۷۶
توجه به هویت و اشتراکات دینی						۱/۰۰۰

همان‌گونه که جدول ۶ نیز نشان می‌دهد، بین تمامی مؤلفه‌های ابعاد شش‌گانه مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه همبستگی معناداری در سطح معناداری ۰/۰۱ وجود دارد ($P < 0/01$). جدول ۷ میزان بارهای عاملی مؤلفه‌ها را با ابعاد شش‌گانه و نیز سهم هر یک از ابعاد شش‌گانه را در تبیین مؤلفه‌ها نشان می‌دهد:

جدول (۷): نتایج آزمون تحلیل عاملی برحسب ابعاد و مؤلفه‌های آن^۱

عامل ششم (تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن)	عامل پنجم (توجه به سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ای)	عامل چهارم (تقویت زبان و ادبیات فارسی)	عامل سوم (استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی)	عامل دوم (تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی)	عامل اول (اتخاذ رویکرد مناسب فرهنگی در سیاست‌گذاری خارجی)	عامل (در اینجا ابعاد) مؤلفه‌ها
					۰/۸۵۰	اثربخش بودن دیپلماسی فرهنگی
					۰/۸۱۶	پذیرش و مشروعیت دیپلماسی فرهنگی
					۰/۷۴۲	تغییر رویکرد موجود دیپلماسی فرهنگی
				۰/۳۴۳		توجه به عناصر مشترک فرهنگی
				۰/۵۱۸		گسترش صنعت توریسم
				۰/۴۷۴		توجه به ظرفیت‌های هنر و معماری
			۰/۴۹۲			تقویت روابط و تبادلات علمی و آموزش
			۰/۱۳۶			آگاهی بخشی دینی در سایه تولید محتوا
		۰/۲۱۸				نشر اندیشه‌ها از طریق ترجمه متون
		۰/۲۱۰				توجه به ظرفیت‌های زبان و ادبیات

۱- لازم به ذکر است که برای حجم نمونه ۳۰۰ نفر، بارهای عاملی بین ۰/۱۱ تا ۰/۱۴ نسبتاً قابل قبول می‌باشند (منصورفر ۱۳۸۷: ۳۰۳ و ۳۰۴).

عامل ششم (تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن)	عامل پنجم (توجه به سیاست گذاری فرهنگی رسانه‌ای)	عامل چهارم (تقویت زبان و ادبیات فارسی)	عامل سوم (استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی)	عامل دوم (تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی)	عامل اول (اتخاذ رویکرد مناسب فرهنگی در سیاست گذاری خارجی)	عامل (در اینجا ابعاد) مؤلفه‌ها
		۰/۲۸۴				توجه به ظرفیت شعر فارسی
	۰/۲۲۲					استفاده از ظرفیت فضای مجازی
	۰/۸۶۵					جهت دادن به افکار عمومی به واسطه رسانه‌ها
۰/۱۷۴						ترویج قرائت رحمانی و اخلاقی از دین
۰/۶۸۷						توجه به هویت و اشتراکات دینی
۷/۰۸۴	۱۱/۲۷۵	۱۲/۰۹۹	۱۴/۶۹۴	۱۷/۰۵۴	۲۸/۷۸۲	درصد واریانس تبیین شده توسط عامل‌ها
۹۰/۹۸۸	۸۳/۹۰۳	۷۲/۶۲۹	۶۰/۵۳۰	۴۵/۸۳۶	۲۸/۷۸۲	درصد تراکمی واریانس تبیین شده توسط عامل‌ها

همان‌گونه که جدول ۷ نیز نشان می‌دهد مقدار بار عاملی (میزان همبستگی مؤلفه‌ها با ابعاد) برای بعد اتخاذ رویکرد مناسب فرهنگی در سیاست گذاری خارجی به ترتیب برابر با: ۰/۸۵۰، ۰/۸۱۶ و ۰/۷۴۲، برای بعد تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی به ترتیب برابر با: ۰/۳۴۳، ۰/۵۱ و ۰/۴۷۴، برای بعد استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی به ترتیب برابر با: ۰/۴۹۲ و ۰/۱۳۶، برای بعد تقویت زبان و ادبیات فارسی به ترتیب برابر با: ۰/۲۱۰ و ۰/۲۸۴، برای بعد توجه به سیاست گذاری فرهنگی رسانه‌ای به ترتیب برابر با: ۰/۲۲۲ و ۰/۸۶۵ و در نهایت برای بعد تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن به ترتیب برابر با: ۰/۱۷۴ و ۰/۶۸۷ می‌باشد. این امر بیانگر این مطلب است که مؤلفه‌های ابعاد شش‌گانه مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه از همبستگی نسبتاً قابل قبولی با ابعاد شش‌گانه برخوردار می‌باشند. علاوه بر آن، باید خاطر نشان ساخت

که درصد کل واریانس تبیین شده مؤلفه‌ها توسط ابعاد شش‌گانه موجود در تحلیل عاملی تأییدی برابر با ۹۰/۹۸۸ می‌باشد.

بنابراین با توجه به تحلیل عاملی تأییدی فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه از برزش لازم برخوردار می‌باشد، تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل مطلوب سیاست‌گذاری متناسب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی آغاز شده است. لذا به منظور بررسی موضوع پژوهش از طرح متوالی اکتشافی استفاده شده است. نتایج کیفی تحقیق نشان داد که مدل مطلوب سیاست‌گذاری متناسب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی از شش مضمون فراگیر شامل: ۱- اتخاذ رویکرد مناسب فرهنگی در سیاست‌گذاری خارجی؛ ۲- تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی؛ ۳- استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی؛ ۴- تقویت زبان و ادبیات فارسی؛ ۵- توجه به سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ای و ۶- تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن به اشباع نظری رسید.

علاوه بر آن به منظور ارزیابی و آزمون مدل مفهومی برساخته شده حاصل از مطالعه کیفی، از مطالعه پیمایشی استفاده شده است؛ لذا نتایج توصیفی پژوهش نشان داد که متغیر اثربخشی مدل مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی-تاریخی در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در جامعه آماری مورد بررسی با ۲۵۰/۸۲۸ (و با میانگین آزمون یا خط برش ۲۰۱) بالاتر از سطح متوسط قرار دارد و لذا در سطح مطلوبی می‌باشد. این امر در رابطه با ابعاد شش‌گانه آن نیز صادق می‌باشد و بنابراین دانشجویان دوره دکتری گرایش‌های مختلف رشته علوم سیاسی و نیز رشته روابط بین‌الملل دانشگاه‌های شهر تهران، مدل مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی-تاریخی را برای مقابله با اسلام‌گرایی افراطی

در آسیای مرکزی مناسب و اثربخش تشخیص داده‌اند. علاوه بر آن نتایج استنباطی پژوهش نشان داد که مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه از منظر دانشجویان دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه‌های شهر تهران در سطح معناداری ۰/۰۱ اثربخش می‌باشد ($P < 0/01$). همچنین نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مدل مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه از برازش لازم برخوردار می‌باشد و در مجموع ابعاد شش‌گانه مدل توانسته‌اند در مجموع ۹۰/۹۸۸ درصد از واریانس و تغییرات مؤلفه‌های پانزده‌گانه مدل را تبیین نمایند.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان چنین گفت که ارتباطات نقش بزرگی در نزدیکی جوامع بازی می‌کند، بنابراین هرچه ارتباطات مابین جوامع در زمینه‌های مختلف فزونی یابد، جوامع بیشتر به هم نزدیک می‌شوند و به‌جای منازعه به همکاری روی می‌آورند و جوامع امنیتی را تشکیل می‌دهند. لذا با توجه به سوابق نظری مطرحه، می‌توان همگرایی را به‌عنوان یک فرایند تلقی کنیم، حرکت فرهنگی ایران با کشورهای آسیای میانه در قالب همکاری‌های فرهنگی نظیر تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی، استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی، تقویت زبان و ادبیات فارسی، توجه به سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ای و تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن؛ باعث تقویت دیپلماسی فرهنگی خواهد شد؛ بنابراین همان‌گونه که جان لکنزوسکی در ذیل ابزارهای دیپلماسی فرهنگی برمی‌شمارد؛ توجه به عناصر فرهنگی همچون هنر، تاریخ، نمایشگاه‌های فرهنگی، برنامه‌های آموزشی و مبادله، آموزش زبان، رسانه‌ها، دیپلماسی دینی، دیپلماسی فرهنگی را مابین ایران و کشورهای آسیای میانه تقویت خواهد کرد. در این میان استفاده از قرائت رحمانی دین و توجه به دیپلماسی دینی با توجه به حضور ۴۲ میلیون مسلمان در منطقه آسیای مرکزی؛ می‌تواند ضمن تلطیف مناسبات دیپلماتیک به‌واسطه توجه به مسائل معنوی و اخلاقی، فضای امنی را برای نزدیکی و پی‌گیری منافع مشترک و پرهیز از

تعارضات در منطقه مذکور فراهم سازد. امری که یافته‌های کیفی و کمی پژوهش حاضر نیز بر آن صحنه گذاشته است. در این رابطه پژوهش محمودی و لطیف اف (۱۳۹۴) نیز در توجه به عامل فرهنگی دینی در تحکیم روابط بین ایران و ملت‌های آسیای مرکزی تأکید داشته است. مضاف بر اینکه دیپلماسی فرهنگی دینی مانع از نفوذ قرائت اسلام‌گرایی رادیکال در میان شهروندان آسیای میانه به واسطه جریان نفوذ روحانیون وهابی می‌شود؛ آن‌گونه که مارتا بریل اولکاد (۲۰۱۴) در مطالعه خود به آن دست یافته است. همچنین یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش حبیب‌اله ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۶) مبنی بر نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل و تأثیرگذاری عوامل فرهنگی بر دیپلماسی قربت دارد. در نهایت برای اعمال سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در راستای مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

۱. با توجه به اثربخشی اتخاذ رویکرد مناسب فرهنگی در سیاست‌گذاری خارجی در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی، تغییر در دیپلماسی همگرایی اتخاذ شده از سوی مسئولین ایران از دیپلماسی سیاسی و اقتصادی به گفتمان فرهنگی پیشنهاد می‌شود؛ چراکه دیپلماسی فرهنگی ضمن چندوجهی بودن تأثیرگذاری آن، به واسطه قربت تمدنی ایران با کشورهای آسیای مرکزی از اثربخشی و مشروعیت بیشتر برخوردار می‌باشد.

۲. با توجه به اثربخشی تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی موارد ذیل پیشنهاد می‌شود که با توجه به ظرفیت‌های هنر و معماری به تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی مبادرت شود. بنابراین در این زمینه می‌توان در قالب محافل و همایش‌های فرهنگی، صنعت توریسم و گردشگری، تقویت پروژه نوروژ و گردشگری، بزرگداشت اندیشمندان اسلامی - ایرانی و... اقدامات مقتضی را انجام داد.

۳. با توجه به اثربخشی استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی، پیشنهاد می‌شود که با استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی ضمن تقویت روابط و تبادلات علمی و آموزشی با کشورهای آسیای مرکزی می‌توان به آگاهی بخشی دینی در سایه تولید محتوا و انتشار آن در قالب کتابچه‌ها و بروشورها، کنفرانس‌های علمی مبادرت ورزید. علاوه بر آن، از ظرفیت‌های علمی و آموزشی جهت معرفی اسلام میانه‌رو در آسیای مرکزی استفاده نمود.

۴. با توجه به اثربخشی تقویت زبان و ادبیات فارسی در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی، پیشنهاد می‌شود که از ظرفیت زبان و ادبیات فارسی به واسطه ترجمه متون و برگزاری محافل ادبی، بزرگداشت مشاهیر ادبی و نیز برجسته نمودن اشعار نوع‌دوستی و انسان‌دوستی به تقویت دیپلماسی فرهنگی اهتمام ورزید.

۵. با توجه به اثربخشی تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی، پیشنهاد می‌شود که با توجه به ارائه تفسیر رادیکالی از دین از سوی اسلام‌گرایان افراطی در آسیای مرکزی می‌بایستی با تقویت گفتمان وحدت اسلامی و نیز تقویت گفتمان اسلامی میانه‌بر خاصه با تکیه بر وجوه اخلاقی آن نسبت به ترویج قرائت رحمانی و اخلاقی از دین اسلام اقدامات مؤثری صورت گیرد.

۶. با توجه به اثربخشی توجه به سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ای در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی، پیشنهاد می‌شود که با برنامه‌ریزی در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ای و خاصه استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در راستای مقابله با تبلیغات اسلام‌گرایی افراطی، معرفی اسلام میانه‌رو گام‌های مؤثری برداشته شود.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۶)، دیپلماسی فرهنگی و نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۱۰، شماره ۳۸، صص ۳۸-۹.
- استراوس، آنسلم. کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی، مترجم: بیوک محمدی، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- بینقی، رضا (۱۳۹۳)، اتحادیه اروپا و سازمان همکاری اقتصادی اگو، دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق.
- حافظ نیا، محمدرضا. شمس دولت‌آبادی، محمود. افشردی، محمدحسین (۱۳۸۶)، علائق ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش رو، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۳، شماره ۳، صص ۷۸-۱۱۹.
- حقیقی، رضا (۱۳۸۶)، فرهنگ و دیپلماسی، تهران، نشر المهدی، چاپ اول.
- دوئرتی، جیمز. فالتزگراف، رابرت (۱۳۹۱)، نظریه‌های متعارض روابط بین‌الملل، مترجم: علیرضا طیب و وحید بزرگی، نشر، قوس، چاپ ششم.
- دهشیری، محمدرضا. جوزانی کهن، شاهین (۱۳۹۲)، شبکه سلول‌های تروریستی داعش در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۲۱، شماره ۹۲، صص ۶۳-۲۹.
- حسن‌خانی، محمد (۱۳۸۴)، دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها، دانش سیاسی، شماره ۲، صص ۱۴۸-۱۳۵.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، جلد چهاردهم.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۴)، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی-جهانی شده: مناسبت و کارآمدی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابولحسن، شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰، ۱۹۸-۱۵۱.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸)؛ درآمدی بر تحقیق کیفی، مترجم: هادی جلیلی، تهران، نشر نی، چاپ دوم
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۴)، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.

- کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۷۰)، نظریه همگرایی در روابط بین‌المللی، حربه جهان سوم، تهران، چاپ پیک ایران، چاپ اول.
- کولایی، الهه (۱۳۸۹)، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌های سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- کولایی، الهه. بلورچی‌زاده، مهدی (۱۳۹۷)، زمینه‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۱، شماره ۲، صص ۴۵۲-۴۳۵.
- محمودی، مرتضی و لطیف اف، جوری (۱۳۹۴)، نقش دین اسلام در روابط بین ایران و ملت‌های آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۸۲-۴۳.

ب. منابع انگلیسی

- Cummings, Milton C. (2003), "Cultural Diplomacy and the US Government: A Survey. Washington DC: Centre for Arts and Culture", Available At: <http://www.Americans For The Arts.org>, (Accessed on: 12/10/2019).
- Jaffe, Amy Myers (1998), "Unlocking the Assets: Energy and the Future of Central Asia and the Caucasus: Main Study." James A. Baker III Institute for Public Policy of Rice University: <http://www.bakerinstitute.org/research/unlocking-the-assets-energy-and-the-future-of-central-asia-and-the-caucasus-main-study/>.
- Malone, Gifford D. (1988), "Political Advocacy and Cultural Communication: Organizing the Nation's Public Diplomacy", US: University Press of America.
- Heathershaw, John & W. David Montgomery (2015), "The Myth of Post-Soviet Muslim Radicalization in the Central Asian Republics", Available at: <https://www.chathamhouse.org/publication/myth-post-soviet-muslimradicalization-central-asian-republics#sthash.uRIIdg20i.dpuf>, (Accessed on: 10/02/2020).
- Hunter, Shireen (2003), "Islam in Russia: the Politics of Identity and Security", (New York: Sharpe, M. E. Inc.
- Omelicheva. Mariya Y. (2017), "Instrumentalization of Islam in Central Asia: Using Religion for Legitimizing the Governing Regimes", *Euxeinos: Governance & Culture in the Black Sea Region*.7(23):6-10. Available at: <https://gce.unisg.ch/en/euxeinos/archive/23>, (Accessed on: 08/01/2020).
- Olcott, Martha Brill (2007), "the roots of islam in Central Asia, Carnegie endowment for international peace", Russian and Eurasian Program, N 77, Available at: <https://carnegieendowment.org/2007/01/17/roots-of-radical-islam-in-central-asia-pub-18967>, (Accessed on: 08/01/2020).
- Zamorano. Mariano Martín (2016), "Reframing Cultural Diplomacy: The Instrumentalization of Culture under the Soft Power Theory, *Culture Unbound Journal of Current Cultural Research* 8(2):165-186, Available at: <https://cultureunbound.ep.liu.se/article/view/1814>, (Accessed on: 08/02/2020).

